

عدم اجرایی شدن قوانین مناطق آزاد به بهانه تحریم

اما معاون اقتصادی و سرمایه‌گذاری سازمان منطقه آزاد چابهار، عدم اجرایی شدن قوانین مناطق آزاد را عاملی بر عدم تحقق اهداف سرمایه‌گذاری در دوران تحریم و حتی برجام در کشور دانست و تأکید کرد که هر شخصی که رئیس‌جمهور آمریکا باشد، در کل برای ما فرقی نخواهد کرد؛ چراکه ما در همه این سال‌ها تحریم بودیم و این سختگیری‌ها در هر دولتی هم بوده، البته شدت و ضعف داشته است؛ اما به‌طور کلی تغییر زیادی نکرده؛ بنابراین خوشبین بودن برای آمدن بایدن و امیدواری برای تغییر روند، کمی دور از انتظار است؛ زیرا او هم در نهایت منافع کلی ایالات متحده آمریکا را در نظر می‌گیرد، نه منافع کشور ایران.

در همین راستا، با جناب آقای دکتر فرزین حقدل معاون اقتصادی و سرمایه‌گذاری سازمان منطقه آزاد چابهار به گفت‌وگو نشستیم که در ذیل می‌خوانید.

نقش مناطق آزاد در دوران تحریم‌ها

اگر این بیست و اندی سال، یعنی از زمانی که قانون مناطق آزاد در سال 71 مصوب شد را در نظر بگیریم، باید بگوییم در همه این سال‌هایی که از عمر مناطق آزاد گذشته، مسلم است که این مناطق باید نقشی را با توجه به وظایفی که قانون برایشان معین کرده، بازی می‌کردند. اما مهمترین مسئله‌ای که در این قضیه می‌تواند وجود داشته باشد، این است که آیا دولت‌ها به‌خودی‌خود نقشی برای مناطق آزاد متصور شده‌اند؟ یعنی وظیفه‌ای برای هر منطقه مشخص و اعلام کنند که نقش هر یک از مناطق آزاد هفتگانه در تحقق GDP کل کشور چقدر می‌تواند باشد و اینکه چه وظیفه خاصی بر عهده این دستگاه است و چه کاری را می‌تواند برای تحقق اهداف کشور انجام دهد؟

متأسفانه در همه این سال‌ها علیرغم قانون خوب، متری و مدونی که در مناطق آزاد داشتیم و کاملاً این قوانین می‌توانست مناطق آزاد مدرن و پیشرو را به کشور معرفی کند تا در نهایت نه تنها خود آن مناطق بتوانند یک نقش بسیار مثبتی برای خودشان داشته باشند، بلکه به توسعه کشور کمک کنند، اما در واقعیت این اتفاق نیفتاده است. علت هم این بوده که ما قوانین خوبی را پشت سر گذاشتیم، ولی این قوانین به‌درستی اجرا نشده است.

در همه سال‌های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، ما مشکلات مشخصی با برخی از کشورها داشتیم، از جمله آمریکا که بیشتر از سایر کشورها با ایران درگیر بوده است. پس بحث تحریم‌ها، فشار اقتصادی و سختگیری‌های جامعه جهانی موضوع جدیدی نیست که منحصر به سال‌های اخیر باشد. ما در فاصله کمی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، شاهد شروع جنگ در کشور بودیم که هزینه‌ها، مصائب و مشکلات جنگ به‌جای خود، اما تحریم‌هایی که علیه ایران آن زمان صورت گرفت، باعث شد که خیلی از کشورها به طرفداری از عراق بسیاری از موارد را روی ایران ببندند.

بعد از جنگ هم، دوران سازندگی را داشتیم و در دوران سازندگی و در هر دولتی هم شاهد شدت و ضعف تحریم‌ها بودیم، اما در کل این تحریم‌ها بوده و ما غریبه با این سختگیری‌ها نیستیم. کشوری که همه این سختی‌ها را پشت سر گذاشته بود و با همه تحریم‌ها هم آشنا بود، باید به دنبال راهکاری برای توسعه کشور و فرار از تحریم‌ها می‌گشت. یکی از راهکارها در این زمینه می‌توانست مناطق آزاد باشد؛ متأسفانه در این سال‌ها امتیازهای زیادی به کشورهای اطراف دادیم و این کشورها هم از قبل گرفتاری‌های ایران، بسیار پیشرفت کردند و درآمدهایشان را بالا بردند. این امتیازاتی که به کشورهای اطراف دادیم اگر به مناطق آزاد خودمان داده بودیم، مسلماً اکنون

وضعمان به این صورت نبود.

در مؤلفه‌های جهانی، مناطق آزاد تعریف مشخص دارند، بنابراین زمانی که شما در عرصه اقتصادی با طرف اقتصادی بین‌المللی مذاکره‌ای انجام می‌دهید، آن‌ها مناطق آزاد را به‌عنوان یک منطقه صرفاً اقتصادی و نه سیاسی می‌بینند؛ بنابراین از خیلی پارامترهای سیاسی می‌تواند از این مناطق دور باشد و در دایره تحریم‌ها یا موارد محدودکننده قرار نگیرد.

تجربه این موضوع را هم خود بنده داشتم؛ طی مذاکره‌ای که با خارجی‌ها انجام می‌دادیم زمانی که بحث کشور ایران پیش می‌آمد، می‌گفتند که به دلیل وضع برخی ملاحظات، تحریم‌ها و خیلی موضوعات دیگر امکان مذاکره وجود ندارد، اما زمانی که ما می‌گفتیم که ما یک منطقه آزاد هستیم، رویکردشان بسیار تغییر می‌کرد. بعضی‌هایشان علاقه‌مندی به مذاکره نشان می‌دادند و برخی دیگر نیز یک مقدار از مواضع سفت‌وسخت پایین می‌آمدند. بنابراین خیلی راحت می‌توانستیم از ظرفیت مناطق آزاد و تعریف بین‌المللی که مناطق آزاد در مؤلفه‌های جهانی دارند، استفاده کنیم و بسیاری از مسائل و مشکلات کشورمان را از این بابت حل کنیم.

عدم پذیرش موجودیت مناطق آزاد در کشور

همه این سال‌ها علیرغم همه مواردی که در قانون مناطق آزاد برای تأسیس بانک خارجی در این مناطق دیده‌شده است، اما دستگاه‌های مختلف کشور به هر نحوی بر ایجاد بانک‌های خارجی در مناطق مقاومت کردند؛ البته تصریح داشتند که بانک‌های آفشور می‌توانند فعالیت کنند؛ اما نتوانستیم حتی یک بانک آفشور واقعی در مناطق آزاد تأسیس کنیم؛ چراکه همه دستگاه‌های اجرایی در کشور مانع می‌شدند.

دستگاه حاکمیتی می‌دانند که هیچ کار را نمی‌توان انجام داد مگر از مسیر آنان عبور کند و قانون مناطق آزاد علیرغم اینکه قانون مصوب مجلس است و مورد تأیید شورای نگهبان می‌باشد را قبول ندارند، یعنی نمی‌توانند این را بپذیرند که منطقه آزاد بخشی از کشور است، ولی خارج از مرزهای بازرگانی کشور قرار دارد و باید رفتاری را که در خصوص مناطق آزاد پیش می‌گیرند، با رفتاری که در یک نقطه از کشور دارند، متفاوت بدانند.

همین مسائل باعث شده هرزمانی که می‌توانستیم از ظرفیت‌های مناطق آزاد استفاده کنیم تا اقتصاد کشور یک مقدار نفسی تازه کند، توسط دستگاه‌های دیگر دچار چالش و گرفتاری شد تا مبادا دایره عملشان در نقطه کوچکی از کشور محدود شود. باوجودآنکه کشور در معرض شدیدترین تحریم‌ها و مردم با سخت‌ترین مشکلات دست‌به‌گریبان هستند، ولی به بهای آنکه آن نقطه کوچک کشور و مناطق آزاد کماکان باید زیر بلیط همه آن دستگاه‌ها و ادارات باشد، کشور را از مسیر پیشرفت بازداشتند. به‌هرحال سازمان‌های مناطق آزاد هم بخشی از بدنه دولت هستند، اینکه از مسئولیت‌های آن دستگاه کم و منتقل به دستگاه دیگری در دولت شود، نمی‌تواند مانعی باشد؛ ولی این اتفاق نیفتاده و همین مسئله باعث شده که در شرایط تحریم مناطق آزاد نتوانند نقشی را که می‌توانستند برای کمک به اقتصاد کشور در نظر داشته باشند، بازی کنند.

بنابراین اینکه بگوییم که ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا باشد یا بایدن دموکرات رئیس‌جمهور شود، در کل برای ما فرقی نمی‌کند؛ چراکه ما در همه این سال‌ها تحریم بودیم و این سختگیری‌ها در هر دولتی شدت و ضعف داشته و تغییر زیادی نکرده است. بنابراین اینکه خوش‌بین باشیم که بایدن می‌آید و همه‌چیز خوب پیش می‌رود، باید بگوییم خیر، اینگونه نیست. بایدن هم درنهایت منافع کلی ایالات متحده آمریکا را در نظر می‌گیرد نه منافع کشور ایران؛ این ما هستیم که باید به فکر خود باشیم، نه اینکه کسی دیگری به فکر ما باشد.

ضرورت توجه به ظرفیت‌های مناطق آزاد و دوری از خودتحریمی‌ها

بی‌تردید نقش مناطق آزاد در این شرایط، نقشی تعیین‌کننده است، اما به شرط آنکه اجازه بدهیم قانون و مقررات به‌درستی اجرا شود. همه این سال‌ها در مورد مناطق آزاد بد گفته شده و عمده مشکلات کشور به‌ناحق به گردن مناطق آزاد افتاده است، خوب است یک‌بار هم اجازه بدهیم برای یکی، دو سال قانون مناطق آزاد در این مناطق اجرایی شود و پس از اجرایی شدن ببینیم مناطق آزاد چه کمکی می‌توانند کنند. اگر دیدیم نتوانستند به اهدافشان بر اساس اهرم‌های قانونی برسند، مجلس بیاید و قانون مناطق آزاد را ملغی کنند و از آن به بعد دیگر مناطق آزادی نداشته باشیم؛ اما وقتی نگذاشتیم حتی 20 درصد قانون مناطق آزاد اجرایی شود، چه انتظاری از این مناطق آزاد داریم که به اهداف و به مسئولیت‌هایشان عمل کنند؟

به جز منطقه آزاد کیش، سایر مناطق آزاد کشور مناطق محروم و بدون امکاناتی بودند که به محض اینکه تبدیل به منطقه آزاد شدند، همان بودجه‌های قطره‌چکانی دولت از آنها دریغ شد؛ نهایتاً هم یک سازمان منطقه آزاد ماند که باید درآمد کسب می‌کرد و همانجا هم هزینه می‌نمود. در نتیجه این مناطق همان روزمرگی خودشان را توانستند انجام دهند و حداقل رفاه را برای ساکنین آنجا پدید آوردند؛ در این حد هم خیلی کار بزرگی انجام دادند؛ لذا به بقیه موضوعات نرسیدند.

درست است که بودجه مناطق آزاد را در سرفصل‌های کلی بودجه دولت می‌برند و آنجا بررسی و مصوب می‌شود، ولی آیا این اتفاق افتاده که بگویند به فرض منطقه آزاد کیش برای سال 1400 موظف هستید در تحقق GDP کلی کشور نقش داشته باشید، یا اینکه منطقه آزاد قشم شما موظف هستید این مقدار از اهداف کلی کشور را در بخش نفت و گاز محقق کنید؛ یا منطقه آزاد چابهار شما برای سال 1400 موظف هستید در بحث حمل‌ونقل، لجستیک و ترانزیت کشور این بخش را به سرانجام برسانید؟ قطعاً هیچ‌وقت چنین چیزی از مناطق آزاد خواسته نشده و هیچگاه مناطق آزاد را در این قضایا به بازی نگرفتند و اجازه هم ندادند از آن ظرفیت‌های قانونی استفاده شود.

اگر ظرفیت‌های قانونی و مقررات مناطق آزاد تمام و کمال در اختیار مناطق باشد و برای هر سازمان با توجه به موقعیتی که قرار گرفته (یعنی اینکه در کجای کشور قرار گرفته و چه نقشی می‌تواند برای مراودات اقتصادی و تولیدات صنعتی با کدام کشور همسایه و کدام بخش دنیا می‌تواند انجام دهد) نقشی تدوین و در بودجه کلی کشور مشخص شود که فلان منطقه باید این اقدامات را برای کشور انجام دهد، آن زمان می‌توانیم امیدوار باشیم که مناطق آزاد می‌توانند با توجه به ظرفیت‌هایی که دارند، نقشی را هم برای عبور از تحریم‌ها و یا حداقل کم اثر کردن تحریم‌ها داشته باشند.

با این شرایط کنونی، ترامپ بماند یا هر اتفاق دیگری بیفتد، تغییر زیادی رخ نمی‌دهد؛ زیرا ما باید در ایران دست از اختلافات درونی و بخشی‌نگری‌ها برداریم، همه باهم در یک راستا باید تلاش کنیم، هیچ‌کسی به اندازه خود ما دلش برای کشورمان نخواهد سوخت؛ هر رئیس‌جمهوری که بیاید و امور آمریکا را در دست بگیرد، اولین هدفش کشور خودش خواهد بود نه کشور ایران. برای آنها کشور ایران مهم نیست و در راستای اهداف خودشان، کارهایی برای کشورهای مختلف انجام می‌دهند و روابطشان را بر اساس آن تنظیم می‌کنند.

بنابراین نقش مناطق آزاد در سختی‌ها، گرفتاری‌ها و تحریم‌ها خیلی می‌توانست پررنگ باشد، اما خودمان در کشور نگذاشتیم این اتفاق بیفتد. اکنون هم دیر نشده، اگر ظرفیت‌های مناطق آزاد در اختیار سازمان همان منطقه آزاد قرار بگیرد، مسلماً این مناطق با وجود هرگونه تغییر و تحولی در آمریکا یا هر جای دنیا، می‌توانند بازهم با استفاده از پتانسیل‌ها، به توسعه خودشان، نواحی مجاور و نهایتاً اقتصاد کل کشور کمک کنند.

لزوم تدوین نقشه راه و مأموریت مشخص برای هر یک از مناطق

مناطق آزاد ایران شامل سه منطقه آزاد اولیه در جنوب کشور یعنی کیش، قشم و چابهار و مناطق آزاد ثانویه شامل اروند در جنوب، ماکو، ارس و انزلی در شمال کشور است. هرکدام از این مناطق برای ارتباط با کشورهای همسایه و کشورهای جهان، لوکیشن منحصربه‌فردی دارند و می‌توانند نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای برای توسعه همه‌جانبه، پایداری اقتصادی، تجاری، صنعتی، بازرگانی، گردشگری و... داشته باشند و در نهایت بتوانند ترنول مالی را در آن منطقه بالا ببرند.

یک منطقه آزاد پیشرفته و پولدار می‌تواند بر نواحی هم‌جوارش اثرگذار و به اقتصاد منطقه پیرامونش کمک می‌کند. یکی از همین مناطق آزاد ما می‌تواند به‌عنوان مرکز نهادهای پولی و مالی قلمداد شود، یا منطقه دیگر می‌تواند مرکز بیمه‌های مختلف، مرکز بورس، نفت و انرژی باشد، یا منطقه‌ای دیگر می‌تواند در زمینه حمل‌ونقل و لجستیک و دیگری در زمینه بازرگانی با کشورهای خاص فعالیت کند. هرکدام از این مناطق آزاد با توجه به لوکیشن خاصی که دارند می‌توانند در این شرایط برای جلوگیری از تحریم‌ها، دور زدن تحریم‌ها و کم اثر کردن آنها بسیار تأثیرگذار باشند.

متأسفانه ما از ظرفیت‌های این مناطق استفاده نکردیم و کشور را به حاشیه بردیم. درواقع صرفاً این مناطق را نگه داشتیم تا مشکلات داخلی خودمان در ناتوانی و عدم امکان جلوگیری از ورود قاچاق به گردن این مناطق بگذاریم.

در زمینه‌های مختلفی می‌بینیم که برخی مناطق آزاد را مورد عتاب و دشمنی قرار می‌دهند و در همه همان پارامترهایی که مناطق آزاد را مورد خطاب قرار می‌دهند و اعلام می‌کنند مناطق در این زمینه مقصرند و نتوانستند کاری انجام دهند به‌عنوان مثال در زمینه واردات گفته می‌شود که مناطق آزاد سکوی واردات شدند، درحالی‌که واردات کل کشور به نسبت وارداتی که از مبادی مناطق آزاد انجام می‌شود، میزان قاچاق کل کشور به میزان کالایی که ممکن است به‌صورت قاچاق از مناطق آزاد وارد شود، میزان تخلفات اداری و فساد اداری که در کل کشور به نسبت مناطق آزاد است، همه قیاس مع‌الفارق است و مناطق آزاد نقش بسیار اندکی هم نمی‌توانند در آن معضل و مفسده داشته باشند. ولی مناطق آزاد متأسفانه به‌عنوان یک واحدی که باید وجود داشته باشند که همه مشکلات را گردن آنها بیندازیم تا از مشکلات اصلی فرار کنیم، دیده می‌شود.

بنابراین اگر این دید را عوض و مناطق آزاد را کمک نماییم که به وظایفشان عمل کنند و از آنها بخواهیم که با توجه به موقعیتشان نقش‌هایی را به عهده بگیرند و بازی کنند، قطعاً به توسعه و پیشرفت مناطق و نواحی اطراف و کشور کمک می‌شود. باید مشخص شود که هرکدام از مناطق چه نقشی در تأمین منابع مالی، در انتقال پول و تکنولوژی و... دارند؛ نه آنکه در حد سمینار و کنفرانس این موضوعات را طرح کنیم، بلکه آنچه واقعی است را مشخصاً تدوین نماییم. این برنامه‌ریزی در مناطق می‌تواند در شرایط پیشرو و با توجه به تغییر ریاست جمهوری آمریکا که بیشترین مشکل را طی سال‌های اخیر برای ما داشته، به‌عنوان فرشته‌های نجات کشور در نظر گرفته شود.

بهره‌مندی چابهار از معافیت تحریم‌ها

در خصوص منطقه آزاد چابهار باید تأکید کنیم که آمریکا دلش برای ما نسوخته و یا جایی هم به‌صورت رسمی چابهار را از تحریم‌ها معاف نکرده است؛ اما عملاً در اظهار نظر مقامات مختلف آمریکایی چابهار به‌عنوان نقطه‌ای که خارج از تحریم‌ها قرار گرفته، معرفی شد و این موضوع دو علت عمده داشت؛ یکی اینکه آمریکایی‌ها روی کشور افغانستان سرمایه‌گذاری وسیعی انجام دادند و این سرمایه‌گذاری مستلزم آن است که به‌هرحال کشور افغانستان به مسیرهای حمل‌ونقل بین‌المللی وصل شود؛ چراکه حمل‌ونقل هوایی گران است و یکی از کم‌هزینه‌ترین حمل‌ونقل‌ها، دریایی می‌باشد و افغانستان برای ارتباط با جهان، نیاز به چابهار جهت نقل‌وانتقال کالا دارد. بنابراین در بحث صادرات و واردات کالا به افغانستان یا از افغانستان به سایر نقاط دنیا، یکی از بهترین و امن‌ترین مسیرهایی که می‌توانست استفاده کرد، همین مسیر چابهار است. به‌هرحال در این سال‌ها شاهد تقابلات سیاسی و اقتصادی آمریکا و چین هستیم.

رئیس‌جمهور چین اخیراً در همه نطق‌ها به‌عنوان یکی از برنامه‌هایش، از راه‌اندازی و ایجاد جاده ابریشم جدید سخن می‌گوید و این طرح را تحت عنوان «یک‌راه، یک کمربند» مطرح می‌کند و البته که سرمایه‌گذاری وسیعی در نقاط مختلف دنیا هم انجام داده تا جاده ابریشم جدید را احیا و راه‌اندازی نماید تا در نهایت مسیر و کریدوری از چین به اروپا وصل شود.

در این مسیر چند نقطه را در نظر گرفت، مثلاً در قزاقستان سرمایه‌گذاری وسیعی صورت داد، در گوادر پاکستان هم همین‌طور و در نهایت نقطه‌ای که باید گوادر را به قزاقستان وصل می‌کرد تا از قزاقستان به اروپا اتصال صورت بگیرد، چابهار است. آمریکا هم به دلیل مخالفت با چین، به هندی‌ها برای سرمایه‌گذاری در چابهار چراغ سبز نشان داد و اعلام کرد که مشکلی در این قضیه ندارد. با این حرکت، عملاً چینی‌ها را در گوادر و پاکستان زمین‌گیر کرد و همین باعث شد که چابهار از تحریم‌ها معاف شود.

مسلماً اینکه آمریکا دلش به حال ایران نسوخته بود و برای منافع خود و زمین‌گیر کردن رقیب تجاری و سیاسی‌اش یعنی چین، این معافیت را انجام داد، جای تردید نیست؛ اما اینکه ما چقدر از این امتیاز استفاده کردیم، بحث دیگری است. واقعیت آن است که زرنگی ما بود که از این مزیت در راستای توسعه استفاده کنیم، به تبع این موضوع یعنی مستثنا بودن چابهار از تحریم‌ها نیز سرمایه‌گذاری‌های وسیعی در این منطقه صورت گرفت؛ ولی اینکه به اهدافمان رسیده باشیم و استفاده تمام و کمال کرده باشیم، باید بگویم خیر؛ اینگونه نبوده و این به همان قضیه برمی‌گردد که در کشور فرصت‌سوزی زیادی کردیم و نتوانستیم از فرصت‌هایی که در مقاطع مختلف داشتیم، به‌خوبی استفاده نماییم. اما یکی از توفیقات عمده چابهار نسبت به سایر مناطق آزاد در جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی و حتی سرمایه‌های سرگردان داخلی، همین مبحث مستثنا بودن از تحریم‌ها بوده که توانسته استفاده‌های خوبی هم داشته باشد.

وجوب اجرای تمام و کمال قانون مناطق آزاد

در کنار همه موارد ذکرشده، در صورتی که بخواهیم واقعاً به اهداف واقعی‌مان برسیم، باید گام‌های مهمی برداریم. به‌هرحال سرمایه‌گذار داخلی و خارجی در هرکدام از مناطق آزاد که بخواهد فعالیت کند، نیازمند یکسری تبادلات مالی است؛ پس بانک مرکزی باید سعه‌صدر به خرج دهد و اجازه دهد که در مناطق آزاد ایران بانک‌های آفشور فعالیت کنند تا از قبل این فعالیت، مسلماً در خیلی از مواقعی که عرصه‌های بین‌المللی بر کشورمان تنگ می‌شود، بتوانیم راه تنفسی برای کشور باز بگذاریم و با همین مناطق آزاد از همه بحران‌ها عبور کنیم.

در همه اساطیر هم آمده که کشور ایران، ققنوسی است که هیچ‌وقت از بین نرفت و از زیر آتش خودش متولدشده و در حد و اعلای قدرت و شوکت برگشته است. بنابراین ایران کشوری نیست که در برابر این سختی‌ها سر خم کند؛ اما مسلماً اگر باتدبیر بیشتری عمل کنیم، خیلی راحت‌تر می‌توانیم از این بحران‌ها و تحریم‌ها باوجود سنگ‌اندازی‌های مختلف و ایفای نقشه‌ای مختلف در ریاست جمهوری آمریکا عبور کنیم. تنها توصیه بنده به‌عنوان کارشناس مناطق آزاد این است که مناطق آزاد را باور داشته باشیم و اجازه دهیم برای یک مدت‌زمان محدود، حتی برای امتحان هم که شده، قانون مناطق آزاد تمام و کمال اجرایی شود.

طهورا کریمان - اخبار مناطق آزاد

